

از زندگی اش لذت برد



مجید برزگر

● هفته پیش بود که به لوون زنگ زدم که فیلم «پرویز» هنوز اکران است و برای نقد و بررسی فیلم به اردبیل دعوت شدیم. با خوشحالی این سفر را پذیرفت. چهارشنبه هفته پیش عازم سفر شدیم. وقتی جمعه به تهران برمی‌گشتیم، گفت: «می‌دونی فیلم چندوقته اکرانه؟ درست سه‌سال‌وچهارماه؛ یعنی ۲۲ ماه از فیلم‌برداری کار گذشته.» گفتم لوون تو چه خوب یادته. پاسخش فقط این بود که فیلم برایم مهم بود و یادم نمی‌رود که با من چه کردی.



لوون هفت‌ون تحصیل‌کرده تئاتر بود و به قول‌وقرار و تمرین و تعهد معتقد بود. در زمان فیلم‌برداری فیلم «پرویز» معتقد بود بد بازی می‌کند و فیلم بدی بازی می‌کند. وقتی برای نخستین‌بار فیلم را در اسپانیا دیدم، بغلم کرد و گفت شهیدم با من چه کردی. در تمام مدت فیلم‌برداری هرچه از این مرد خواستم انجام داد و به تمام نکته‌ها گوش کرد. در مورد من همیشه می‌گفت آن‌قدر اعتمادبه‌نفس داری که می‌دانی چه می‌خواهی و آن‌قدر حرفه‌ای بود که تمام‌قد خودش را در اختیار پروژه قرار می‌داد و به من اعتماد کرد. «پرویز» تجربه خوبی برای من و لوون هفت‌ون بود؛ مردی که با پرویز فیلم من، متفاوت بود، اما به زیبایی آن را ایفا کرد. بعد از فیلم «پرویز»، لوون بازی‌های زیادی انجام داد و اتفاقا سر صحنه بازی در یک سریال دچار حمله قلبی شد و متأسفانه او را از دست دادیم. این ضایعه برای من به‌شدت سخت و دردناک است، خصوصا اینکه در سفر اخیر، در زمان بازگشت، ساعت‌ها با هم حرف زدیم و خاطرات و حرف‌هایش هنوز برایم زنده است. به اعتقاد من لوون از تمام لحظات زندگی‌اش لذت برد و چه بهتر از این… برایم حرف‌زدن از لوون سخت است و قطعا باور ازدست‌دادن او برایم سخت‌تر. دلم برای لوون تنگ می‌شود. از خداوند برای خانواده عزیزش صبر آرزو می‌کنم. جایش در سینمای ایران خالی است.

جارجی

اعلام تاریخ اکران فیلم جدید اصغر فرهادی در آرژانتین

● فیلم «همه می‌دانند»، جدیدترین ساخته سینمایی اصغر فرهادی که با نقش آفرینی «ریکاردو دارین»، ستاره سینمای آرژانتین، همراه است، از تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۸ ، برابر با ۲۲ شهریور، در سینماهای کشور آرژانتین روی پرده می‌رود.

پیش از این، تاریخ نمایش ۹ میی (۱۹ اردیبهشت) برای فیلم «همه می‌دانند» در فرانسه اعلام شده بود که با توجه به برگزاری هفتادویکم جشنواره بین‌المللی فیلم کن از تاریخ ۱۸ تا ۱۸ میی (۱۸ تا ۲۸ اردیبهشت)، این فیلم به احتمال فراوان مانند دو فیلم «گذشته» و «فروشنده» اولین نمایش جهانی خود را در جشنواره کن تجربه خواهد کرد.

در خلاصه داستان فیلم «همه می‌دانند» آمده است: کارولینا برای دیدار با خانواده‌اش از آرژانتین به زادگاهش اسپانیا بازمی‌گردد. در این سفر که پیش‌بینی می‌شد به تجدید دیدار اعضای خانواده خلاصه شود، رویدادهای غیرمنتظره‌ای به وقوع می‌پیوندد که بر روند زندگی کارولینا تأثیر می‌گذارد.

در شب‌های بخارا

نوبت به محمد قاضی رسید

● شرق: شب محمد قاضی از سوی مجله بخارا در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود. مجله بخارا شب محمد قاضی را همراه با رونمایی از کتاب «بی‌ریشه» ترجمه محمد قاضی برگزار می‌کند.

در این مراسم محمدرضا جعفری، مهدی غبرایی، غلامرضا امامی، مسعود فروتن و علی دهباشی حضور دارند و به سخنرانی درباره زنده‌یاد محمد قاضی می‌پردازند. قرائت متنی از سروش حبیبی و نمایش فیلم مستند بخشی از این مراسم است. این مراسم ساعت ۵ بعدازظهر دوشنبه، ۲۱ اسفند ۱۳۹۶ در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی، واقع در خیابان نجات‌اللهی، نبش خیابان ورشو برگزار می‌شود.

رضا آشفته: بیش از ۶۰ نفر از هنرمندان تئاتر که در میان آنها نام‌هایی مانند علی رفیعی، علی نصیریان، رضا بابک، مرضیه برومند، قطب‌الدین صادقی، بهروز غریب‌پور، مسعود رایگان، فاطمه معتمدآریا، آتیلا پسیانی، محمد یعقوبی و… آمده است، در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون هنری‌اش، خواستار ابقای مهدی شفيعي، مدیرکل هنرهای نمایشی، شدند.

تعدادی از هنرمندان تئاتر در نامه‌ای به سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سیدمحمدجتبی حسینی، معاون هنری وزیر ارشاد، خواستار ابقای مهدی شفيعي، مدیرکل هنرهای نمایشی، بر مسند خود شدند. در روزهای اخیر اخباری مبنی‌بر تغییر مهدی شفيعي به خواسته خودش یا به اجبار و با توجه به انتقاداتی که به نحوه عملکرد وی از جانب عده‌ای وارد است، شنیده می‌شود.

در ادامه فهرست این هنرمندان حامی ماندگاری مهدی شفيعي آورده می‌شود:

علی نصیریان، علی رفیعی، رضا بابک، احترام برومند، بهروز غریب‌پور، بهرام شاه‌محمدلو، مرضیه برومند، فرخ نعمتی، قطب‌الدین صادقی، فرهاد آیش، راضیه برومند، مسعود رایگان، گوهر خیراندیش، سهیلا رضوی، امیر اثنائی، اختر تاجیک، آتیلا پسیانی، مانده طهماسبی، حمید جبلی، رویا تیموریان، محمادمیر یاراحمدی، سیامک احصایی، پردیخت عابدین‌نژاد، سیامک زمردی‌مطلق، ماریا حاجیه‌ها، فاطمه معتمدآریا، سیامک صفری، محمد یعقوبی، حسن معجونی، حمید پورآذری، منوچهر شجاع، افروز فروزند، کوروش نریمانی، سارا اسکندری، رضا بهبودی، محسن علیخانی، احمد ساعتچیان، کیومرث مرادی، لیلی رشیدی، امیر اسمی، نغمه ثمینی، افسانه ماهیان، ستاره



کیوان کتیریان

جشنواره فیلم فجر تمام شد و آب حواشی و حرف‌وحديث‌هایش از آسیاب افتاد. شاید برای یک آسیب‌شناسی جدی و منصفانه و دور از هیجان و احساسات آنی، حالا وقت مناسبی باشد. جشنواره فیلم فجر به دلیل اهمیتش نیاز به آسیب‌شناسی جدی دارد تا بعد از نزدیک به ۴۰ سال، به یک ثبات و شکل‌وشمایل متناسب نزدیک شود.

اول: جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین اتفاق فرهنگی کشور است. البته قرار بود باشد. روزگاری با عرض و طول بیش‌تر و محتوای غنی‌تر و اثرگذاری بیش‌تر و اعتباری افزون‌تر برگزار می‌شد و حالا کوچک‌تر و پرحاشیه‌تر و بی‌سروشکل‌تر.

اما مایه‌ها هنوز معلوم نیست این رویداد مهم از نگاه برگزارکنندگان چیست؟ جشنواره است؟ دورهمی است؟ آیین است؟ و چون هر یک از اینها مقصیاتی خود را دارد، موجب می‌شود جشنواره فیلم فجر میان همه اینها معلق و سرگردان بماند.

این جشنواره گاه با متولیان مدیریت و مدبرتر برگزار شده که بر اعتبارش افزوده‌اند و گاه در دام مدیران بی‌تدبیر گرفتار شده است که آن را تا مرز ویرانی پیش برده‌اند.

اما در هر حال و هر وضعیتی، جشنواره محل دیده‌شدن فیلم‌های دست‌آول و فیلم‌سازان، به‌ویژه جوان‌ها و استعداد‌های خلاق است و هنوز مورد توجه و جایزه‌اش برای سینماگران، اهالی رسانه و علاقه‌مندان سینما اهمیت دارد، اما جشنواره ظاهرا در غالب دوره‌ها به این کارکرد مهم خود بی‌توجه بوده است.

دوم: جشنواره فیلم فجر پس از ۳۶ سال هنوز نتوانسته سلیقه و ذائقه مشخصی برای خود تعریف کند. هر جشنواره مهمی در دنیا سیاست کلانی برای خودش تعریف کرده که با توجه به آن، جنس آثاری را که می‌پسندد یا مورد توجه قرار می‌دهد می‌شود. حس درخت، مسعود فجر اما اصولا چنین باذوقه‌ای برای خود تعریف نکرده، هر سال و در هر مقطع با توجه به شرایط روز و جهت‌گیری دولت حاکم، فیلم‌های مورد توجه، متفاوتند و این تفاوت گاه از زمین تا آسمان است. مرور فیلم‌هایی که در این ۳۶ دوره، جایزه بهترین فیلم را از آن خود کرده‌اند جز ده اول، شما را به هیچ نتیجه مشخصی نمی‌رساند. اصولا دهه اول جشنواره به دلیل ثبات مدیریتی و مشخص بودن نسبی سیاست‌های کلان، در مسیر رسیدن به سلیقه جشنواره فجر حرکت می‌کرد که در سال‌های بعد، این مسیر بریده شد و حالا دیگر هیچ ارزیابی‌ای از این ذائقه نمی‌توان داشت.

سوم: جشنواره فیلم فجر کمتر ثبات مدیریتی به خود دیده است. جز دهه اول، تنها یک مورد دیگر دیده می‌شود که یک دبیر پیش از دوسال مسئولیت دبیری جشنواره را برعهده داشته باشد (علیرضا رضاداد). همین بی‌ثباتی باعث می‌شود این جایگاه، عرصه آزمون و خطا باشد و نمتنها برنامه‌ریزی درازمدت در دستور کار دبیر قرار نگیرد، بلکه او از هرگونه اصلاح ساختاری مفید نیز پرهیز کند تا کمتر در تیررس انتقاد‌ها باشد. از سوی دیگر ملاک و معیار مشخصی برای دبیری جشنواره فجر و دراختیارگرفتن سکان این رویداد مهم وجود ندارد. با مرور نام دبیران ادوار پیشین، نه معیارها برای اثبات صلاحیت اجرایی دبیر قابل احصاست و نه متر و ملاک‌ها برای سایر صلاحیت‌ها، از جمله لیاقت فردی، از سوی دیگر گاه در دوره‌ای مدیرعامل فارابی مسئولیت دبیری را به طور اتوماتیک برعهده می‌گرفت و گاه دبیری از سایر بخش‌های سازمان سینمایی منصوب می‌شد.

معمولا اما دبیران - ضعیف یا قوی- به‌لاحظ حقیقی یا حقوقی، یا از فارابی آمدند (مثلا رضاداد دوران اول یا بهشتی در سال‌های نخست جشنواره) یا از بخش اداری مجموعه بودند (مثلا عباسیان و حیدری) یا در ظاهر خارج از حیطه رسمی مدیریت سینما انتخاب می‌شدند، ولی درواقع مجری دقیق سیاست‌های مدیریت ارشد سینما بودند (مثل خرامی و مسعودشاهی)، ولی امسال برای نخستین‌بار دبیری با جایگاه رسمی

هنر

در نامه سرگشاده به وزیر ارشاد

بزرگان تئاتری خواستار ابقای مدیرشان شدند



علی، ایران تئاتر

اسکندری، هدایت هاشمی، آیدا کیخایی، پانته‌آ پناهی‌ها، سعید چنگیزیان، محمدرسول صادقی، ساسان پیروز، الهام کردا، هانیه توسلی، سحر دولتشاهی، مهدی آشنا، سلما سلامتی، خیام وقارکاشانی، زمان وفاجویی، سیدمحمد مساوات، سمانه زندی‌نژاد، ستاره پسیانی و…

در نامه هنرمندان خطاب به وزیر و معاون هنری وزیر ارشاد آمده است:

«وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی جناب آقای صالحی

معاون محترم هنری جناب آقای حسینی

گاهی برای بهترشدن باید تغییر کرد و گاهی باید بهتر شد تا تغییر اتفاق بیفتد. خوش‌بختانه ما اهالی تئاتر مثل همه اهالی این سرزمین آن‌قدر با فرازوفرودهای بسیار مواجه بوده‌ایم که دیگر تغییرات -حتا اگر به رای و به نفع ما بوده باشد-

هنر تبدیل به محل آزمون و خطای بعضی از آنان در ادوار گذشته شده است تا به‌واسطه حضور در این مسند به جایی «بهتر» بروند، جز زیان و آسیب به هنر و هنرمندان دست‌آوردی نداشته است. اینک اما ما از مدیرکل هنرهای نمایشی - مهدی شفيعي - راضی هستیم و خیال می‌کنیم مدیری بر مسند کار است که در تخصیص بودجه کلیت تئاتر را در نظر می‌گیرد و در بروکراسی اداری جانب هنرمند را می‌گیرد. مدیری که در این سه سال باعث دلگرمی اهالی تئاتر بوده و بارها در مشکلات شخصا پشتیبان هنرمندان بوده است و برای حل مشکل تلاش فراوان کرده است، مدیری که استثنائا برنامه بلندمدت دارد و در تصمیم‌های خود از مشاوره اهالی تئاتر بهره می‌برد و در نهایت مدیری که اهالی تئاتر احساس می‌کنند به زیان و نگاه تئاتری‌ها آشناست.

کلام آخر: با توجه به شأنیه با حقیقت تصمیم به تغییر مدیرکل هنرهای نمایشی - چه به خواسته مدیران بالادست و چه با تمایل خودشان - مجدانه خواستار ابقای ایشان و حمایت قاطعانه جناب‌عالی - وزیر محترم جناب آقای صالحی و معاونت محترم هنری جناب آقای حسینی- از این جریان به نظر ما - مثبت تئاتر هستیم.

حتّما اذعان دارید که تا‌به‌حال رسم بوده افراد در اعتراض به اشخاص نامه امضا کنند. آداب صنفی و اخلاقی حرفه‌ای ما را از آن داشت تا این‌بار در حمایت از ابقای یک فرد به امید تقویت شاکله هنر تئاتر دست‌به‌قلم شده و این نامه را خطاب به شما بنویسیم.

پیشاپیش از هم‌دلی و همراهی شما سپاسگزاریم. آنها در پایان یادآور شده‌اند که فهرست امضاکندگان در حال کامل‌شدن است و هنرمندان دیگری در حمایت از مهدی شفيعي ایبن نامه را امضا خواهند کرد.

(بخش نخست)

جشنواره‌ای که می‌تواند «جشنواره» باشد

بخش مسابقه فرستاده است. هیئت داوران موظف است فیلم‌ها را با نگاه حرفه‌ای و فنی ببیند و بهترین‌ها را به‌طور واقعی و با خیال راحت انتخاب کند. اصلا چه معنی دارد که داورانی بگویند ما چون از خشونت فیلمی آزرده شدیم، فیلم را کنار گذاشتیم و هیچ‌یک از عوامل فیلم را هم با اینکه خوب بودند، نامزد نکرديم یا احتمالا حتی در فیلم‌های دیگر هم کارنشان گذاشتیم!

مگر فیلم‌ها از فیلتر ممیزی رد نشده‌اند؟ مگر هیئت انتخاب و مدیرکل نظارت پیش از اعلام فیلم‌های بخش مسابقه کارشان را انجام نداده‌اند؟ مگر کار داور، ممیزی محتواست؟ مگر داور می‌تواند عوامل یک فیلم را که می‌گویند مستحق نامزدی بودند، کلا کنار بگذارد! کار داور مگر تشخیص بهترین‌ها و انتخاب آنها نیست؟ پس دیگر این وظیفه از کجا آمده است؟ داور که نمی‌تواند ممیز باشد! نگاه ممیزی اگر به گروه داوران بکشد که دیگر واولیاست.

از طرف دیگر، داور چطور می‌تواند چنین اظهارنظری کند که فلان بازیگر را نامزد نکرديم چون سه فیلم در مسابقه داشته و از دیدن تکراری او خسته شدیم؟! و درعین‌حال در بخشی دیگر به بازیگری سیمرخ تعلق بگیرد که سه فیلم در بخش مسابقه داشته و از قضا داوران را خسته نکرده است!

اهمدا جایزه به یک نفر بابت دو فیلم هم روال غلطی است که سال‌هاست ادامه دارد. مثلا در بازیگری جایزه به نقش داده می‌شود. خود بازیگر هم باید بداند نقش «الف» را در فیلم یک بهتر بازی کرده یا نقش «ب» را در فیلم دوا نمی‌شود که دو نقش را به یک اندازه خوب بازی کرده باشد و برای هر دو شایسته تندیس باشد! و البته در اغلب دوره‌ها در رشته‌های دیگر هم از این دو جایزه به یک نفر برای دو فیلم، کم اهدا نشده است. به‌هرحال یکی از مصلحت‌اندیشی‌های مرسوم در این جشنواره همین است که تا حد ممکن اسم فیلم‌های بیشتری برده شود و این یکی از راه‌های رسیدن به این هدف است.

درباره دآوری جشنواره فجر همواره یک جمله مشهور گفته می‌شود: «سلیقه است دیگر، اگر هفت داور دیگر بودند حتما نتایج دیگری رقم می‌خورد». این جمله به‌شدت غیراصولی و غیرکارشناسی است. مگر چه میزان از دآوری مبتنی بر سلیقه است؟ همین امسال از جشنواره بیرون بمانند، کارشناسی کجاست؟ جای اصول زیبایی‌شناسی و قواعد بدیهی و ثابت سینمایی کجاست؟ جای دانش سینما کجاست؟ سلیقه از آن دست کلماتی است که بابت رهایی از پاسخ‌گویی و فرار از استدلال پایش به این ماجرا باز شده است. وگرنه هر هنری اصول و قواعدی دارد و طبعاً بعد از این مرحله نقش سلیقه را هم کسی ندیده نمی‌گیرد. ولی من با این نادارم کسی تاکنون از معیارهای دآوری جشنواره فجر حرفی زده یا یاد یا پرسشی کرده باشد. البته باید گفت، من هیچ‌یک از داوران جشنواره فجر از ابتدا تاکنون را مقصر نمی‌دانم، مشکل از جای دیگری است؛ مشکل از همان نگاه بلاتکلیف «جشن یا جشنواره» و همان نگاه «همه راضی باشند» سرچشمه می‌گیرد. پس هرکسی داور باشد مجبور است با همان سیاست‌های عجیب و مصلحت‌ها و محافظه‌کاری‌ها و هراس‌ها و ملاحظات، دآوری کند و به بازی در زمین سیاست‌گذاران و مدیران «مصلحت‌ساز» و «مصلحت‌باز» تن دهد.

هشتم: جشنواره سی‌وششم فیلم فجر مثل دیگر جشنواره‌های فجر پیش از خود ملو از جایزه است. جشنواره فجر تنها جشنواره‌ای در دنیاست که هفت داور، بالای ۲۰ جایزه در رشته‌های گوناگون فنی می‌دهند. جشنواره‌هایی با دآوری متمرکز پنج یا هفت‌نفره معمولا شش، هفت جایزه می‌دهند و تمام. هیچ جشنواره‌ای در دنیا آن‌گونه نیست. هفت داور مگر به چند تخصص سینمایی در حد دآوری‌کردن دریا سلطاند؟ دآوری رشته‌های فنی در اکثریت قریب به اتفاق موارد برعهده جشن‌هایی است که به صورت آکادمی و با داوران تخصصی برگزار می‌شود. مثل اسکار یا جشن خانه سینما. جشنواره فجر با این شکل برگزاری از وضعیت جشنواره خارج شده و شکل یک جشن و مراسم پیدا کرده است. هیچ «جشنواره»‌ای با این تعداد جوایز و این تعداد داور نمی‌تواند خیلی جدی باشد. طبعاً تعداد جایزه با میزان اعتبار جشنواره نسبت معکوس دارد.

ادامه دارد...

زیر آسمان فیروزه ای

پیکر خالق «دلبران تنگستان» تشییع شد



● مراسم تشییع پیکر همایون شهنواز، کارگردان سریال «دلبران تنگستان»، صبح دیروز، ۱۹ اسفند، در ساختمان شماره ۲ خانه سینما برگزار شد. در ابتدای این مراسم، محسن امیریوسفی، رئیس کانون کارگردانان، گفت: «صدای پای شخصیت‌های دلبران تنگستان را می‌شود شنید که برای استقبال از همایون شهنواز آمده‌اند؛ شخصیت‌هایی مثل رئیسعلی دلواری و خالو حسین که این شخصیت‌ها تا ابد در جان ایرانیان می‌مانند. همایون شهنواز رفت و حسرت را در دل ما ماند. امروز در غم کارگردانی هستیم که تنها یک سریال ساخت، ولی با همان سریال در یاد ما مانده است. متاسفم از اینکه او از تلویزیون اخراج شد و شاهد آثار کمی از او بودیم».محمدجواد حق‌شناس، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران، نیز در این مراسم گفت: «بسیار سخت و اندوهگین است که جمع شده‌ایم تا از یکی از بزرگان عرصه تصویر که با تنی سوخته و جسمی آسیب‌دیده از رنج ما را تنها گذاشت، محافظتی کنیم. روح بزرگ او هیچ‌گاه شفافیت و روشنایی و تعالی‌بخشی خود را از دست نداد. همایون شهنواز را با مام و سیرالش از دهه ۵۰ می‌شناسم؛ یعنی زمانی که نوجوان بودم و به‌خاطر موقعیت خانوادگی‌ام که یک روحانی‌زاده بودم، برای اولین‌بار با این سریال با شهنواز آشنا شدم و اولین ارتباط من با تلویزیون با این سریال آغاز شد که بخشی از نقش آفرینان آن از اجداد و پدران من بودند که بخشی از رشادت‌های این سرزمین را روایت می‌کردند که مردانه در مقابل استعمار بزرگ زمان خود مقاومت کردند». اردشیر صالح‌پور نیز در صحبت‌های کوتاهی گفت: «شهنواز را رنج‌های زیادی زیست و همواره دل در گرو این مرزوبوم داشت. آثار او هم رنگی دل هویت ملی داشت و فرهنگ و ارزش‌های ملی این دیار را بازگو می‌کرد. پیش از انقلاب که همه میل به سرگرمی‌سازی داشتند، او دل در گرو ارزش‌های ملی داشت؛ این است همان سینمای ملی و سریال ملی. امروزه شاید کمتر کسی تاریخ را یک‌بار دیگر ببینیم، چون این سریال خود تاریخ است. ملتی که به گذشته خود پشت می‌کند قطعاً آینده خود را به توپ خواهد بست. «دلبران تنگستان» صدای انقلاب بود و خواهش می‌کنم رسانه ملی به حرمت شهنواز و مردم ایران این سریال را یک‌بار دیگر ببخش کند تا ما احیا شویم. شهنواز قلعه‌ای بزرگ و پوششیده از برف است، اما جامعه هنوز خدمات او را دریافته».این نویسنده و پژوهشگر تأکید کرد: «شهنواز باید بار دیگر به جامعه معرفی شود؛ چراکه آیین چراغ، خاموشی نیست و خدمات او دیده خواهد شد. خوشحالم که همایون به آرمان خود رسید و در جوار رئیسعلی دلواری و در کنار خالو حسین به خاک سپرده می‌شود. دریغ که فیلم‌نامه «سیاوش» او به نتیجه نرسید و هیچ تهیه‌کننده‌ای زیر بار این فیلم‌نامه نرفت، حتی آخرین اثر او که درباره دو روز آخر اتفاقات ۲۸ مرداد بود به نتیجه نرسید و دریغ که او رفت».نگار شهنواز، فرزند این کارگردان، نیز عنوان کرد: «پدرم باعث تسریلی من و برادرم است، گرچه هنوز باورم نیست که در مجلس او شرکت دارم. لازم می‌دانم از همه دوستان تشکر کنم که در این مجلس و در دوران بستری‌شدن پدرم به بیمارستان آمدند. مهم‌ترین و اولین خصلت پدرم عشق به ایران بود که باعث شد پس از اتمام تحصیلاتش در انگلستان به ایران بازگردد و رویدادهای تاریخی را در قالب فیلم و سریال روایت و روی اسناد و مدارک تاریخی تحقیق کند و سپس سریال «دلبران تنگستان»، «روز‌های به‌یادماندنی» و «شاه خاموش» را بسازد. همچنین از زحمات محمدجواد حق‌شناس که بسیار تلاش کردند، جامعه خبری، مردم بوشهر و… تشکر می‌کنم». منوچهر شاهسوراری، مدیرعامل خانه سینما، نیز گفت: «گاهی ما در طول عمرمان کارهای زیادی می‌کنیم و به یاد نمی‌مانیم و برخی از ما کارهای پرتعدادی نمی‌کنیم و به یاد می‌مانیم و راز این امر میهن‌دوستی است. دلبران تنگستان تنها دلبران تنگستان نیستند، بلکه همچنان دلبرانی وجود دارند که این سرزمین را با افتخار نگه می‌دارند و فکر می‌کنیم و فرزندان ما پرسشی نمی‌کنند که چه برای آنها گذاشته‌ایم و چه چیزی بالاتر از پاسخ دلبران تنگستان برای فرزندان شهنواز، اما باید دید ما چه می‌کنیم برای دلبران این روزهای ایران. یادبود اصلی همایون برای ما عشق به سرزمین است و از همه می‌خواهم این عشق را با خودمان به همه‌جا ببریم».